

هزار مغاره

نقاشی های بودایی در تانهانگ

By Chang Jen - hsia

Professor at the Central Institute of Fine Arts

در تاریخ مدنیت افغانستان و ممالک همجوار بر روابط ثقافتی و وجود مشترک ایشان در زمینه های فرهنگ و هنر و جز آن ، غالباً بر میخوریم . اینک در مقاله بی که به نظر خوانندگان محترم آریانا میرسد و بقلم (چانگ جن - هسیا) استاد در مؤسسه مرکزی هنر های زیبای چین نگاشته شده مظاهر آن مشترکات خاصه مؤثرات آریانا بر تمدن و آرت و فرهنگ کشور بزرگ چین مطالعه می شود . « اداره »

هزار مغاره : بودادر چین ، در علاقه تانهانگ

بامغاره های اجنتا در جنوب هندوستان و سمج ها و آثار بودایی بامیان در افغانستان ، از لحاظ هنری بیکر نگاری و حجاری شیوه بودیزم قدیم ، در حقیقت سه مرکز با اشکوه در سه گوشه مثلثی الد که شهرت آن در اقطار گیتی پخش گردیده هزار مغاره : تانهانگ که بمغاره های (مکاو) هم شهرت دارند در بیست و کلومتر جنوب شرق ناحیه مذکور در نخته سنگ عظیم بین کوه (سنوی) و کوه (منگشا) وضع گردیده اند . این ناحیه در منتهای غربی ایالت کانسو واقع است و یا ایالت (چنگغای) و ایالت خود مختار (او یغور) در سینکیانگ سرحد مشترک دارد . این منطقه که خود باربگستان پهناوری احاطه گردیده نقطه کوچکی خرمی است که یکی از گنجینه های قیمندار هنری مردم چین را در سینه خود نگهداری میکند البته یاد آور باید شد که کار ایجاد این مغاره ها در دور



سلاطه (نسیون) (۳۶۶ میلادی) آ غاز یافته و بمرور ایام هنرمندان چیره دست متعدد در خلال فرماز و اسی سلاطه های (وی) شمالی و (وی) غربی، سوی، تا نگک و سونگک یان در ان همت گماشتند تا آنکه ثمره زحمات ایشان هزار مغاره بودایی را بوجهی که نامیده می شود بوجود آورد، نقاشی های بیشمار نفیس دیواری و تصاویر رنگارنگ بودایی ایجاد شد. اگرچه این آثار از آفات طبیعت و فجایعی که جنگ همواره در پی دارد به تواتر متأثر گردید و ولی از جمله هزار مغاره چهل و هشت آن هنوز بوضع کامل و خوبی بر حال است. آثار و تصاویر این عده مغاره ها بخوبی نمایند؛ رشد و تکامل هنر است که در فاصله قرون چهار و شانزده بمیان آمده. ضمناً از محتویات آنها کشف می شود که هنرمندان ادوار مختلف سرزمین پهناور چین برای ایجاد شهکارهای هنری خود که همه آگنده به الوان و صبغه های ملی و جنبه های واقعی اند، از روشهای موروثی و عنعنوی و از روایات و داستانی بودایی استفاده می کرده اند.

تالها نگک در دوران سلاطه هان در مسیر جاده ای واقع بود که بکشورهای غربی و اصل میشده و مؤرخان مغربزمین آن را (راه ابریشم) نام داده اند، بدان جهت که ازین راه یکی از محصولات مهم چین یعنی ابریشم بغرب حمل میشد و در عوض فرهنگ و ثقافت مغربیان بکشور ما وارد می گردید. بدین طریق تا آنها نگک در دورانی که ما از ان بحث می خواهیم کرد بیشتر شکل شهری بین المللی و مرکز دادوستد اموال تجارتنی و کالای فرهنگ و هنر را اختیار نموده بود. کپش بودا از همین راه در قرن اول میلادی از طریق سینکیانگک وارد کشور چین شده آغاز کار هزار مغاره در قرن چهارم صورت گرفته؛ از آن وقت ببعده، تانها نگک یکی از مراکز عمده انتشار و تبلیغ و پخش شدن دین بودا در کشور چین بوده است.

در سال ۲۶۶ میلادی، لوچن، راهب بودایی به تانها نگک سفری کرد. این مرد روزی هنگام غروب آفتاب در پای کوه (شانوی) برفت. اشعه آفتاب همچون هزاران رشته زرین بر کوه های اطراف و ماحول پدیدار بود. راهب در بند طلسم و افسون طبیعتی زیبا سخت گرفتار شد، بعضی از کاگران را گرد آورد و با ایشان اولین مغاره را احداث نمود. بزودی راهب دیگر بنام (فالسیا نگک) از شرق بدانجا سفر کرد و بدنبال مغاره اول مغاره دوم را بوجود آورد. از ان پس هر چه بر شهرت

تالهانگک بیفزود بر شماره مغاره های آن نیز افزایش بعمل آمد، چنانکه در آثار تاریخی چین ذکر شده هنرمندانی که درین مغاره ها کار کرده همه اهل چین بوده اند؛ بنابراین شاید بتوان گفت هنر تانها ننگ، اگر چه با مؤثرات دینی خارجیان اختلاط یافته، در حقیقت جنبه تکامل یافته جداگانه و جدیدی از هنر موروثی چین بشمار میرود.



از پایان
قرن چهارم تا آغاز
قرن ششم اداره
منطقه تانها ننگ
بچندین دست
انتقال نمود
صرف از ۵۲۹ تا
۵۴۴ میلادی
تانها ننگ مجالی
برای ترقی هنری
داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درین فاصله مغاره های باشکوه (وی) هم چون مغاره شماره (۴۲۸) و مغاره (۲۸۵) حفر گردید. در سال ۵۸۱ میلادی چینیکه سلاله سوی بر سر اقتدار بود کشور چین متحد گردید و اگر چه مدت دوام این اقتدار کوتاه یعنی صرف سی و هشت سال بود ولی در همین فرصت شمار زیادی از مغاره ها کنده شد چنانچه عددی که از آن جمله تا کنون باقیمانده کمتر از نود و پنج نیست. هزار مغاره دوره هر وج و کمال عزت خود را در دوره تانگ سپری کرد. درین دوره دوصد و سیزده مغاره آباد شد و همه تا امروز بر جای است؛ و این رقم قریباً مناصف همه مغاره های باقیمانده از جمله هزار تا است. از لحاظ رتبه هنری هم مغاره های ساخت سلاله تانگ بر آنانیکه قبلاً ساخته شده بود برتری واضح دارد، و مغاره های ساخته هنرمندان آئینده نیز تحت الشعاع آنها گردید. در دوره تانگ همینکه او فروع اقتصادی بهتر شد مغاره های

وسیعتر و بزرگتر مطرح گردید: تصاویر دیواری رنگارنگ و فرسکوهای قشنگ آن مثالهایی واضحی از شکوه کمال است و نشانه‌های روشنی از نبوغ عصر و اعتلای متاع هنر میباشند:

پس از سال ۷۵۵ میلادی با حدوث تغییرات بزرگ در اوضاع اجتماعی و مانند آن سلاله تانگ راه زوال پیش گرفت. این وضع در پهلوی خود کم توجهی درباره نانهانگ را هم دربر داشت چنانکه (چانگ یی چاو) یکی از حاکمان دوران‌های اخیر سلاله تانگ در تانهانگ مغاره‌های زیبای حفر نمود اما در رودیوارهای آن نقاشی‌های زیبایی بکاررفت که موضوعات همه آنها از زندگی خانوادگی خودش اقتباس شده بود. تصاویر سیر و گردش او و نقوش تفرج‌های زن و هم‌رکابانش در در مغاره شماره (۱۵۶) بهترین آثارند. البته از همین دسته شهکارهای هنری که مطلب آن‌ها از اجتماع یا حاکمان و نجملات ایشان برداشته شده میتوان به آسانی به کیفیت اخلاق و کردارها، تمدن و فرهنگ طبقه‌های زیر و بالای جامعه زمان مخصوص پس برسد:

اقتدار سلاله تانگ در حوالی آغاز قرن دهم میلادی پایان یافت. در پنج‌سال آینده (۹۰۷... ۹۶۰) کشور بزرگ چین بار دیگر به ساتراپهای متعدد تقسیم شد. باین وصف در منطقه پیرامون نانهانگ اوضاع نسبتاً قریب آرامش بود سپس سلاله چانگ بو اسطه (تساوی چین) اقتدار را در دست گرفت که خاندان او ده‌اش تانهانگ را در طی مدت بیشتر از صد و بیست سال اداره نمود. این دسته بنوبت خود دمواریت و سنن مردم چین را حفظ کرد در یک عده مغاره‌های دیگر هم بر شماره سابقه افزود. تصویر (تساوی چین) هنوز در دیوار مغاره شماره (۱۰۸) دیده می‌شود. آری هنر تانهانگ همچون گلبرگ‌های خزان‌ی پژمریدن گرفت. در دوران سلاله سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی) کیش بودا در چین روبرو اموشی و زوال نهاد و همین که راه تجارت بین‌المللی بتدریج در سواحل همچون کانتون و چانگشو منتقل شد، تانهانگ موقف گذشته خود را، چه از لحاظ اقتصاد و تجارت و چه از جهت فرهنگ و تمدن از دست داد. در آغاز قرن سیزدهم مغرلهای سربلند کردند و کشور چین را مورد بی‌مناگری و تهاجم قرار دادند. چون ایشان در کیش

و آیین بود ابو دند چند مغاره ای نیز در تانها ننگ حفر کردند. کتیبه سنگی ای که در شش زبان است یادگار است که از آن دوره در دست است. مارکو پولو هم در سفر خود بچین از این نقطه عبور کرده بود. او در سفرنامه خود توضیح کرده که مردم چگونگی به پرستش بود اقیام می کرده اند. در مغاره هایی که درین مدت آباد گردیده بود از تصاویر دیواری ناترا در آنها بکار رفته بود و از آن جمله عده ای تا امروز بر جای است از زمان اقتدار خانوادۀ ریان) بیعد دیگر هیچ مغاره بر عده هزار مغاره افزوده نشد:

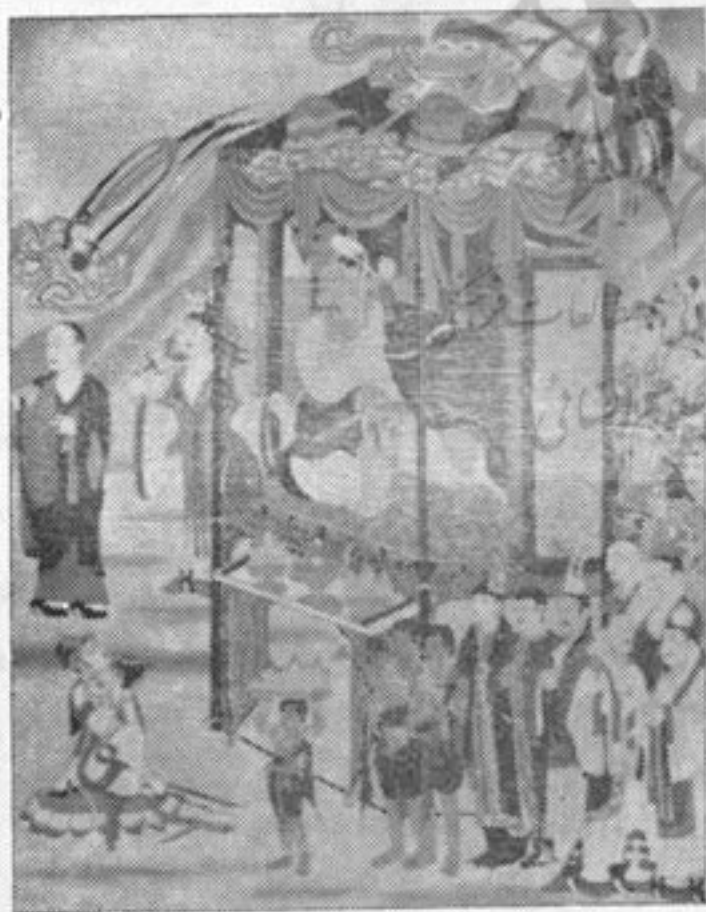
آنچه در بالانگاشته آمد گزارش کوتاهی بود از چگونگی تحولات تاریخی هزار مغاره بود در علاقه تانها ننگ:



آن مقدار
از نقاشی
های دیوار
که تا کنون
از بین
رفته
خاصه کهن
تسرهایش
و جوه
تشابه با آن
آثار نقاشی

قدیمی مسلک بودار انشان میدهد که در کشورهای همسایه غربی کشف گردید. آثار بودایی حوزه های غربی چین بلا شبهت از سبک نقاشی مدرسه گندهارا در افغانستان قدیم و شیوه هنری عصر چندرا گوپتا موریا از سلاله معروف شاهان بودایی هند قدیم اثر پذیرفته اند؛ بطور مثال تصویر برنشسته گوتما بودا در مغاره شماره (۲۵۷) شمال علاقه (وی) تقلید خاصی از شیوه پیکرنگاری مدرسه گندهارا ای افغانستان باید باشد. کشش ها و انعطافات درشت و عمیق قلم و رنگهای تیره ای که در تصاویر رنگه دیواری دوره نخست منطقه (وی) بکار میرفته مشترکاتی زیادی با نقاشی های دیواری و فرسکو های

زیبا و دارای خصوصیات قریباً مشابه مغاره‌های اچتادر جنوب هندوستان دارند. مع هذا از روی بعضی تصاویری که در دست است میتوان ادعا کرد که شیوه موروثی و ملی نقاشی مدارس سلاوه (هان) و (وی) هنوز در کشور چین رایج بوده و انسان در آن تصاویر مناظر اجتماعی همان روزگار این کشور را واضح بچشم می بیند. البته دیگران ممیزات و خواص بارز سبک نقاشی کشورهای آسیای وسطی را نشان میدهند چنانکه طرز زندگی و آداب و رسوم اجتماعات حوزة مذکور بطور روشن در آنها منعکس گردیده است و نیز درین ضمن عده‌ای تصاویر دیواری نیز هست که باید آنها را تقلید محض و رونوشتی از فرسکوها و تصاویر رنگین شیوه معمول در هندوستان خواند، منتها موضوع اینها محلی و چینی میباشد. این دسته آثار مقلد مشابیهت زیادی با نقاشی‌های افغانستان باستان در میان بهم میرساند. پس کلام خود در این صورت می‌توانیم خلاصه کرد که آثار دوره‌های نخست تا آنها ننگ با آثار نقاشی آسیای وسطی اختلاط و آمیزش یافته است.



در خلال انقلابات و تحولات صدساله، تصاویر دیوار سلاوه (سوی) و (زانگ-گت) دارای صبغه‌ای نو و عام‌الملی گردید و در نتیجه در زمینه هنر شیوه‌ای ظهور کرد که تا زمان خاص و ویژه همان عصر و زمان بود. کشور بهناور چین در اثنای سلطنت سلاوه (سوی) متحد ساخته شد و مقابله نیروهای تولیدی آن بقدر معتنا به افزایش یافت پس بی‌جهت نبود که یک پنجم

تعداد مجموعی هزار مغاره در همین دوره بحیاط آمدن باشد از روی همین آثار میتوانیم به پیمانۀ رفاه و سعادت اقتصادی آن عصر پی ببریم. هنرمندان زیبایی ها و نکات قابل تقلید مدارس هنری شمال و جنوب را بهم آمیخته و بدینصورت راه را برای تکامل و نشوونمای هنری سلاله تانگ هموار نمودند.

بسیاری از تصاویر دیواری منسوب به دوره سلاله (وی) و (تسین) شرح داستان های زندگی (چا تا که) های بودا بوده اند. مناظر ساده و بی پیرایه در نقاشی های دوره سلاله (سوی) از طریق (ویمله کرته سوترا) و (لو تس سوترا) و (هپتره یه سوترا) ظاهر شد که بر اثر آن زمینه برای نشوونمای حقیقی نمایشهای تصویری (بودیست سوترا)، در دوره سلاله تانگ، مهیا گردید. باید افزود که نقاشی های دوره (سوی) از نقاشی های دوره (وی) شمالی، از لحاظ فنی، تفاوتی دارد. تفاوت بیشتر در پندت که شیوه نقاشی (وی) شمالی واضح و برجسته و آزاد بوده و ازین لحاظ بیشتر شبیه شیوه نقاشی آسیای وسطی میشود، در حالیکه طرز نقاشی دوره سلاله (سوی) غالباً پر تفصیل و مصفا و مهذب بوده و باشیوه است. استادان چین در دوره (تسین) رابطه و شباهت میسرسانند. از آن پس هنرمندان چین که منبع الهام شان کیش بودا بوده دست به ابداع شیوه کاملاً خاص و منحصر به خویش بردند.

بدینصورت مطلب و موضوع اصلی تصاویر دیواری دوره تانگ، در هزار مغاره نانهانگگ روز بروز وسیعتر و منبسطتر گردید. نظر به تبلیغات پر دامنه و روز افزونی که بر ای ترویج کیش بودا توسط فرهنگ آن مبذول میگردد (سوتراهای مصور و منقش) ماده اصلی و موضوع اساسی تصاویر دیواری قرار گرفت. این تصاویر دیواری، در حقیقت تراجم مصور هناسک و قوانین شانزده گانه مذهبی بودائیان بوده است. درین میان داستانهای (ویمله کرته سوترا) حاوی قسمت مهم تصاویری است که در حدود (۲۸۸) دیوار را اشغال نموده اند. اینها با مناظر پر شکوه و جلال خویش و با ترکیب و شیوه با عظمت خود بارنگهای قوی و نیرومند خویش و با طرح های پر معنی و زیبای طلایی خود و کوتاه اینکه این (داستانهای مصور) هر یک نماینده و مبین امینی از رفاهیت و سعادت اقتصادی دوره تانگ است که این رفاهیت بیقین تأثیر مستقیمی بر کمال و عروج نقاشی های دیواری مذکور داشته است.

موضوع تصاویر دیواری تانهانگ بزودی منحصر بداستانهای بودایی اواسط دور: تانگ گردید. بعضی از این داستانها وضع اجتماعی آن عصر را بیان میدارند، از قبیل تصاویر مشهور سیر و گردش (چانگ بی چاود) و تصاویری که سیر و گردش خانم سونگ را نمایش میدهند. تصاویری که از ملتزمان رکاب اهر اطور در دست اند همه کاملترین معیوض اجتماعی زمان میتوانند باشند. محافظان مقام سلطنتی، رقاصه گان، موسیقی نوازان، دسته آکروبات ها، عراده های جنگی، سگان و اسبان و طرزهای پوشیدن لباس مردانه و زنانه، اینها همه مواد مغتنمی را برای مطالعه جامعه دور: تانگ بدست می دهند.



اگرچه نقاشیهای دیواری و فرسکوهایی که بعد از دور: تانگ بوجود آمده بعضاً خیلی زیبا و دلنشین نیستند ولی نمیتوانند با نقاشیهای دور: (وی) شمالی، از لحاظ قوت و استحکام و وضوح، رقابت ورزند و نمیتوانند با آثار نقاشی دور: تانگ، از لحاظ عظمت و شکوه همسری کنند. پس در باره آن سخن را کوتاه کنیم. نقاشیهای دیواری هزاره گانه در تانهانگ، با وجود آنهمه اضطرابات اجتماعی که حادث شدند، هنوز همچنان زیبا و شکوه مند باقی اند و با توضیحات بالا میتوان ادعا کرد که این آثار پر قیمت نه فقط گنجینه های هنری مردم چین اند بلکه در افتخار آن همه مردمان خاور میانه و حتی همه اقوام دنیا ذیاد خجل استند. از اوایکه چین جدید تأسیس گردیده همه گونه سعی و کوشش برای ترمیم خرابیهای اینگونه آثاری که از ذوق و جنبشهای فکر و اندیشه آدمیزادگان حکایت و نمائندگی میکنند، بمصرف رسیده است. اجمالاً میتوان از تأسیس اداره: تتبع بجهت تحقیقات و مطالعات نقاشی ها و تهیه مقدمات برای تولید نسخه ها و کاپیهای مزید آنها و اسطه کاپی کاری و عکاسی و بچاپ رساندن کتابهای خاص مربوط بموضوع مذکور و سایر تسهیلات لازم، یاد کرد. (پایان)

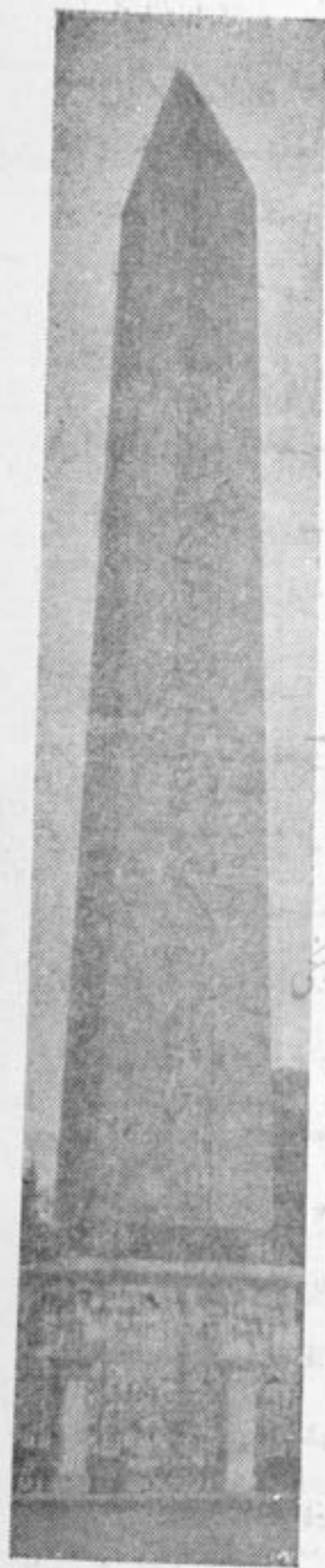
سنگ ایتنا

آبدۀ ای که بیش از سی و پنج قرن عمر دارد

۱. در ایا سو فیاصد ها آثار تاریخی که هر یک نماینده واقعه مهمی است به چشم می خورد. سلطان محمد در قرن هفده درین محل مسجد باشکوهی بنا کرد و از آن وقت این میدان که پیش از آن « میدان اسپ » خوانده میشد بنام او شهرت یافت. در اینجا که زمانی صحنه تاخت و تاز مردم بیزانس بود، فجایع زیادی روی داده است. و در سال ۱۳۰۰ میلادی پس از آنکه هرچی ها به استانبول دست یافتند به شکل ویرانه متروکی در آمد.

۲. میدان سلطان محمد در پهلوی چشمه ای واقع است که بافتنخار مسافرت امپراطور المان در اوائل قرن بیست ترسیم و تزیین شد. سنگ ایتنا که موضوع این نبشته است یکی از آبدات این میدان است. در قاعده آن، رسم های برجسته ای بکار رفته که از هنر عصر چهارم و پنجم هائماندگی میکند. در زیر قاعده چهار پایه قرار دارد و بر سطح آن نکات برجسته تا ریخ آن عصر با خط هیر و غلیف به شکل سایه دار و برجسته نوشته شده. طرز ساختمان و نوشته ها نشان میدهد که در حدود (۳۹۵ م) بنا گردیده باشد.

۳. مطالب ذیل مبین قسمتی از واقعاتی است که در سنگ نبشته بدانها اشارت رفته: « ظفر عیسویت از سال ۳۱۳ میلادی آغاز می شود زیرا درین سال کنستانتین فرمان آزادی مسیحیت را در سر امپراطوری روم صادر کرد. برخی این فرمان را دلیل مسیحی بودن خود او گرفته اند اما قدر مسلم اینست که وی نه ادیان دیگر را لغو کرد



و نه از انها انكار و رزید. امپراطورانی که پس از او بر سر اقتدار آمدند بعضی بدین مسیح و برخی بدین اجدادی خود تمایل نشان دادند، سپس آئین مابقی هیر قانونی شناخته شد و مجسمه های بتان مورد پرستش قدیم، از طرف راهبان کیش جدید نابود گردید: آتیلان جنگجوی مشهور در همین تاریخ بدینا آمد.

۴۰ این آبدۀ عظیم را شاید از مصر آورده باشند زیرا قسمت زیرین آن از معابد شهرهای شرقی مصر تهیه شده، مصریان قدیم اینگونه مجسمه ها را در دو طرف دروازه معابد خود نصب می کردند و مناقب فرعون بانی معبد را در آن نقش می نمودند. سنگ ایستاده، تقریباً هزار و ششصد سال پیش از مسیح که هنوز از مدنیته روم و یونان خبر و اثری نبود بنام فرعون توتمه زبس بنا شده، در چار سمت آن نوشته هایی به خط هیروغلیف دیده می شود اما این خطها ما فند خطراط امروز نیست بلکه تصویر پر یک عده اشیائی میباشد که هر يك به کلمه و یا حرفی دلالت می کند و در عصر ما برای افساده مطالب بسیار نارسا و غریب است؛ حتی محو اندن آن نیز خیلی مشکل است. با وجود این متخصصین فن آنرا چنین خوانده اند: «توتمه زبس سوم از سلاله هجدهم هدیه خود را بخدایت پروردگار تقدیم میدارد توتمه زبس بعد از گذشتن از بجرها، کشورهای را که بین دو نهر موجود است فتح کرد و در سال سی ام سلطنت خود این آبدۀ را بساخت. مراد از معالک بین دو نهر سرزمینهای بین دجله و فرات است. زیرا مصر بها گاهی بسوی سوریه و آسیای وسطی سر از بر می شدند.

۵۰ در چهار جناح قاعدۀ ستون سنگی تمثال امپراطور دوس و دو پسروی نقش شده: از برجستگی نقشها معلوم می شود که این رسمها بعد از ایستاده کردن ستون درست شده باشد. در تهیه این آبدۀ بزرگ تاریخی که ۳۵۶۰ سال عمر دارد و پانزده قرن قبل از میلاد در پنجانصب شده است، هزاران استاد ماهر و کارگر هنرمند سهم گرفتند و صدها تن درین راه جان دادند: